

برای علی دهباشی عزیز و نازنین که شوق من به او است  
ایده دارم و امیدوارم خرابکارانه نباشد.

Emran Salahi  
با احترام و اراد  
۱۷/۱/۸۳

# عملیات عمرانی

(داستان ها و قطعات طنز)



کداعی معانی

حالا حکایت ماست

حرف اضافه

رفع تکلیف

در حال حاضر علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی



انتشارات مبین

عمران صلاحی محبوب خاص و عام است و این طبیعی است، عامه او را دوست دارند چون این جراح کارآمد بغض‌های فرو خورده، به شیرین‌کاری از دل‌های بیم‌زده و به خشم نشسته مردمان عصر عقده می‌گشاید و کار طنزپرداز در طول اعصار همین است. خواص او را دوست دارند چون او به واقع یک طنزپرداز اصیل است نه فلان ندیم خوشگو یا بهمان هتاک هجوگو. عمران طنزاندیش، با فرد تسویه حساب نمی‌کند اصلاً اهل تسویه حساب و قاتی حساب و کتاب‌های بقال‌بازی نیست. او به خردمندی نقاد زمانه‌ای است ناپسامان که در آن هر چه و هر کس واژگونه، نابجا، غلوآمیز و یاوه مانده در چاه ویل ابتذال است؛ شاخه را نمی‌پیراید، ریشه اهریمنی گشتن را می‌زند، ادعای اصلاح ندارد، رگزن روح است و از اینجا نسبش به سنایی و مولوی و عبید می‌رسد نه به سوزنی سمرقندی.

محبوب بودن آسان نیست چون پایه‌اش انسانی زیستن است به گونه‌ای که هیچ کس از دست و زبان تو آسیبی نیابد و آنچه را از هوش و شادی و خیالات ظریف داری به دیگران ببخشی تا زندگی دشوار پر از تاریکی و اندوهشان را لحظه‌ای به لبخند همدلی روشن کنی و عمران چنین است و کارش در همه عمر، ایثار جان شاد خوی خویش بوده به خلوت اندوهزای دیگران.

عمران شاعر است و شعرش زیستن مردم‌وار بین دیگر مردمان است و آن سان که حرفش بی‌تکبر و فخر به گوش این و آن می‌رسد، پیامش زیبایی و صلح و هم‌زیستاری است که اگر

شنیده هم نشود چین بر جبین نمی اندازد و دژم نمی شود چرا که از سلاله رندان است و می داند که از جان شعر گاه تنها صوتی به قشر هوش دیگران می رسد و نصیب هر کس فهم اوست. شعر عمران عاشقانه زیستن و به فراغت عمر گذراندن را چون غبنی یاد آور می شود.

به یاد نمی آورم کسی از او گله ای داشته و رنجشی از او به دل گرفته باشد. از آن رو این نکته را می گویم که طنزپردازان عموماً زبانی نیشدار دارند و در مجادلات کمتر کسی را از شوخی های زهرآلودشان معاف می کنند. عمران را محبوب تر و بزرگوarter از آن دیده ام که بخواهد از اقتدار بیانی و هوش سریع اش به سود خود و زیان دیگران بهره گیرد.

عمران زندگی دشواری داشته مثل بسیاری از ما که در سنگلاخ افتاده ایم، او با بسیاری از مطبوعات فکاهی و غیر آن کار کرده اما هیچ به شکل آنها در نیامده بلکه مستقل از راه و چاه آنها، سخن خود را در حدی برتر نشانده است. منفرد ماندن و به شأن انسانی خویش وفادار بودن، سخت دشوار است و تنها رفتار لغزان و رندانه عمران است که دیگران او را از خود و در حلقه انحصارشان می پندارند، اما او بنا به استغنائی طبعش حتی به خویش هم منحصر نمانده است. او به تاریخ هشیاری های یک فرهنگ پر تنش تعلق دارد.

صلاحی با آگاهی ژرفی که از فرهنگ ایرانی دارد، از قلب ادب هنوز ناشناخته ما گذشته و به نو یافته ترین دستاوردهای ادبی زمان آگاه شده است. گرچه خود مدعی نیست اما ادعا می کنیم که او بر کتاب قطور شوخی های ایرانی ورق های خوشخوانی افزوده است که آغازگرش هم اوست. تا این کتاب در : اطره ملت ما ورق می خورد، او در یاد یکایک ما، تازه روی چون نسیم طناز یک بامداد عاشقانه است.

۱۲ مهر ۸۵. کوی نویسندگان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

طنز و شوخ طبعی

# ملانصرالدین

۴ روایت

عمران صلاهی

برای عزیزانم که همیشه با من  
با آرزوی ایندلم لباس خنده

به  
ممنون

پرو. شگاه علوم ۱۵ / ۱۱ / ۷۹  
رتال جامع علوم انسانی



نشر نخستین  
تهران، ۱۳۷۹

## شهاب عزیزم

فکر می‌کردم چه چیزی برایت بنویسم ،  
اما دیدم فکر کنتم بهتر است . چون آدم  
اگر به راه رفتن خود فکر کند ، یانهی تواند  
راه برود ، یا گم و گوله راه می‌رود . هم  
راه رفتن است . به قول عطار : " خود  
راه بگویدت که چون باید رفت "  
برای اینده جای خالی باقی نماند

برایت یک نقاشی می‌کنم  
دخترت را  
خراب کردم



عزیز صلاهی

۳/۴/۶۶